پایان مرگبار یک فیلم مخفیانه

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ تکیده، لاغراندام و ریزجثه است. رنگ رخساره‌اش از دردی عمیق در وجودش خبر می‌دهد. سیاهی بخت و اقبالش فقط روی موهایش سایه نینداخته است. سن و سالی از او گذشته اما انگار باورش برای خودش هم سخت است که در ۶۰ و چند سالگی به جرم قتل و جنایت روی صندلی اداره آگاهی بنشیند و بازجویی شود. غصه‌اش فقط برای جرمی که مرتکب شده، نیست بلکه بیشتر نگران و دلتنگ همسرش است که مدت‌هاست با بیماری سرطان دست و پنجه نرم می‌کند. دستبند به دست پشت یکی از میزهای اداره دهم پلیس آگاهی نشسته و اتهامش قتل است آن هم قتل دوستش. از همان ابتدای صحبت شروع به گریه کرد. از اشتباهاتی که سال‌ها قبل مرتکب شده تا جنایتی که چند روز قبل رقم زده ابراز پشیمانی و ناراحتی می‌کرد. می‌گفت: «خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج. من هم قدم اولم را اشتباه برداشتم و حالا در این سن و سال باید طعم تلخ زندان و مجازات را تجربه کنم.»

کم‌کم نطقش باز شد و در حالی که اشک‌هایش را با کف دستان زمختش پاک می‌کرد به جزئیات قتلی پرداخت که چند روز قبل تیم جنایی را به صحنه قتل در منطقه وردیج در غرب تهران کشاند.

پرسیدم با مقتول آشنا بودی؟ گفت: «دوستم بود. مدت‌ها باهم دوست بودیم. البته اول همکار بودیم و همین همکاری باعث شد تا باهم دوست شویم.»

چه شد که این دوستی به یک قتل رسید؟

تقصیر خودش بود. من نمی‌خواستم او را بکشم. اذیتم می‌کرد و مرا در منگنه گذاشته بود. راستش را بخواهید برایم پاپوش درست کرد. فکر نمی‌کردم دوست چندساله‌ام چنین نقشه نفرت‌انگیزی برایم بکشد و بخواهد با پیدا کردن نقطه ضعف از من اخاذی کند. بگذارید از اول توضیح بدهم. یک روز هوشنگ -مقتول- مرا به خانه‌اش دعوت کرد وقتی وارد خانه شدم او را کنار یک خانم به نسبت جوان دیدم که داشت قلیان می‌کشید. آن خانم را به من معرفی کرد و گفت میهمانش است. بعد به من هم تعارف کرد قلیان بکشم. راستش را بخواهید من با اینکه وضع مالی خوبی نداشتم و مشکلات مالی زیادی هم داشتم اما هم مواد مصرف می‌کردم و هم مشروب می‌خوردم. هوشنگ هم مثل من اهل خوشگذرانی و مشروب بود. آن روز هم سرگرم حرف و صحبت بودیم که متوجه شدم آن خانم جوان قصد دارد با من صمیمی شود. من زیاد اهمیتی ندادم ولی گهگاه قلیان را از من می‌گرفت و او هم مصرف می‌کرد. کم‌کم سر حرف و شوخی را با من باز کرد و من غافل از اینکه هوشنگ مخفیانه در حال فیلم گرفتن از ماست در حال صحبت و شوخی با آن خانم میهمان بودم.

برای چه فیلم می‌گرفت؟

آن روز که نفهمیدم، اما چند روز بعد وقتی فیلم و عکس‌ها را برایم فرستاد شوکه شدم. پرسیدم اینها چیست؟ گفت می‌خواهم با اینها از تو اخاذی کنم. اول فکر کردم شوخی می‌کند چون ما آنقدر با هم دوست بودیم که تصورش را هم نمی‌کردم با من چنین کاری کند. پرسیدم از من چه می‌خواهی؟ گفت هرچه می‌گویم باید برایم انجام دهی. گفتم اگر انجام ندهم چه کار می‌کنی؟ گفت این فیلم و عکس‌ها را برای همسرت می‌فرستم. از شنیدن این حرف شوکه شدم. همسر من بیماری سرطان دارد و آن موقع در اوج شیمی‌درمانی بود و وضعیت روحی خیلی بدی داشت از طرف دیگر همسرم خیلی روی من حساس است و اگر می‌فهمید من با زن دیگری حرف زده‌ام حالش بدتر می‌شد. همسرم سال‌ها به من اعتماد داشت و اگر این عکس و فیلم‌ها را می‌دید اعتماد ۳۰ ساله زندگی ما از بین می‌رفت و بی‌آبرو می‌شدم.

به خواسته‌اش تن دادی؟

مجبور بودم، چون پای همسرم در میان بود نمی‌خواستم حالش بد شود. وقتی به هوشنگ گفتم چه می‌خواهی گفت پول نمی‌خواهم ولی باید برایم مشروب بخری یا مدام از رستوران برای خودش بهترین غذاها را سفارش می‌داد و من باید پولش را حساب می‌کردم یا وسایل مختلف می‌خرید و می‌گفت پولش را حساب کن. در واقع مدام از من باج‌خواهی می‌کرد و من که وضع مالی خوبی نداشتم و از طرفی همسر بیمار و دو فرزند هم داشتم دیگر تحمل این رفتار او را نداشتم.

شغلت چیست؟

کارگرم. کارگر خدماتی. در خانه‌های مردم کار می‌کردم و خیلی سختی کشیدم، اما بیشتر درآمدم را باید صرف باج دادن به هوشنگ می‌کردم. خسته شده بودم و دیگر نمی‌کشیدم. اگر باج نمی‌دادم همسرم می‌فهمید و اگر باج می‌دادم پولی برای خودم و خانواده‌ام نمی‌ماند.

روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟

به او گفتم برویم بیرون شهر با هم صحبت کنیم و مشروب بخوریم. سوار خودروی پژو هوشنگ شدیم و به سمت وردیج رفتیم. کنار ماشین بساط پهن کردیم و می‌خواستیم مشروب بخوریم که هوشنگ گفت در بطری باز نمی‌شود برو چاقویی که داخل داشبورد است را بیار. آن روز هم کلی خوراکی با پول خودم خریده و هزینه مشروب را هم من پرداخت کرده بودم و سر این موضوع خیلی ناراحت بودم. در داشبورد را که باز کردم و چاقو را دیدم ناگهان فکری به ذهنم خطور کرد. با خودم گفتم هوشنگ را با چاقو تهدید می‌کنم تا فیلم‌ها را از گوشی‌اش پاک کند. چاقو را برداشتم و از ماشین بیرون آمدم به سمت هوشنگ رفتم و چاقو را روی گلویش گذاشتم و گفتم دست از اخاذی‌هایت بردار. به او گفتم گوشی تلفن همراهش را بدهد می‌خواهم عکسی که از من گرفته بود را پاک کنم. اما هوشنگ خواست خودش را از زیر دست من بیرون بکشد و با ناسزا مرا تحقیر کند که ناگهان گردنش را کج کرد و شاهرگش برید.

بعد چه کار کردی؟

وحشت زده شدم خیلی ترسیده بودم. باورم نمی‌شد دوستم را کشته‌ام وقتی نفسش قطع شد گوشی‌اش را برداشتم و پای پیاده فرار کردم.

چطور لو رفتی؟

من که فرار کردم، ظاهراً یک موتوری که در حال عبور از آن منطقه بوده، متوجه هوشنگ شده که روی زمین افتاده است. ابتدا فکر می‌کند حالش بد شده اما نزدیک که می‌شود، متوجه خون‌ریزی شدید و مرگ او می‌شود. فوراً خودش را به کانکس پلیسی که پایین جاده منتهی به وردیج بود، می‌رساند و ماجرا را گزارش می‌دهد.

چند روز بعد دستگیر شدی؟

من فرار کردم. اما پلیس در بررسی‌هایش متوجه شد که من آن روز همراه هوشنگ بوده‌ام وهویت من شناسایی شد. وقتی سراغ خانواده‌ام رفتند و متوجه شدند من چند روز است به خانه نرفته‌ام بیشتر به من شک کردند. من هم در جایی مخفی شده بودم تا آب‌ها از آسیاب بیفتد راستش فکر می‌کردم ردی از خودم به جا نگذاشته‌ام اما چند روز بعد پلیس به سراغم آمد و دستگیر شدم. همان موقع هم به خاطر عذاب وجدانی که به سراغم آمده بود اعتراف کردم.

اگر بازداشت نمی‌شدی، راز این قتل را برملا نمی‌کردی؟

عذاب وجدان لحظه‌ای رهایم نکرد. من اشتباه پشت اشتباه مرتکب شدم و الان هم به خاطر قتلی که انجام داده‌ام واقعاً پشیمانم. اما همسرم بیمار بود و می‌ترسیدم اگر برای من اتفاقی بیفتد، حال او وخیم‌تر شود و حادثه‌ای برایش رقم بخورد.

نکته

ارکان کلاهبرداری در نظام کیفری ایران

علی جوان‌بخت لاله
وکیل دادگستری

کلاهبرداری در نظام کیفری ایران، جرمی آشنا اما دارای مرزهای مبهم است؛ ابهامی که گاه موجب تنظیم نادرست شکواییه و بی‌نتیجه ماندن پرونده می‌شود. ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، این جرم را با سه رکن تعریف کرده است: توسل به وسایل متقلبانه، فریب دادن مجنی‌علیه و بردن مال او. این سه رکن، اجزای یک زنجیره واحدند، نه شرایطی مستقل؛ بنابراین اگر فریب واقع نشده باشد، صرف دروغگویی متهم کلاهبرداری را محقق نمی‌کند. مجازات کلاهبرداری ساده در همین ماده، حبس از یک تا هفت سال و جزای نقدی معادل مال برده‌شده تعیین شده است.

یکی از پرتکرارترین اشتباه‌ها، خلط کلاهبرداری با خیانت در امانت است. در خیانت در امانت، مال، پیش‌تر با رضایت مالک به متصرف سپرده شده و سپس حیف و میل می‌شود؛ در چنین حالتی نه وسایل متقلبانه وجود دارد و نه فریب، و ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات حاکم است. اما در کلاهبرداری، مال در نتیجه همان فریب از مالک خارج می‌شود. تفاوت اصلی، مسیر تسلیم مال است، نه نتیجه نهایی. همچنین معامله صوری با انگیزه فرار از دین یا ثبت ملک به نام دیگری، لزوماً کلاهبرداری نیست، مگر آنکه سه رکن یادشده اثبات شود.

بسترهای نوپدید، چهره این جرم را دگرگون کرده است. ماده ۱۳ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، کلاهبرداری رایانه‌ای را با همان ارکان تعریف کرده و ماده ۶۷ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ برای معاملات الکترونیکی ضمانت اجرای مستقل پیش‌بینی کرده است. در کنار آن، مواد ۶۷۴ و ۶۹۶ قانون تعزیرات در فروش مال غیر و تصرف عدوانی، و ماده ۵۲۳ به بعد در جعل و استفاده از سند مجعول کاربرد دارند.

بُعد فراموش‌شده این جرم، حق شاکی خصوصی است. شاکی می‌تواند در کنار شکایت کیفری، دعوای حقوقی مطالبه ثمن و خسارات دیگر را نیز اقامه کند.

در جرم کلاهبرداری سنگین‌ترین بار پرونده بر دوش اثبات است. بر پایه ماده ۱۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دلایل جمع‌آوری شده باید برای قاضی قانع‌کننده باشد، نه فقط شک‌آور؛ و ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی، اثبات‌کننده را مکلف به ارائه دلیل می‌داند. در عمل، پرونده‌های کلاهبرداری غالباً با مستندات مکتوب، مکاتبات پیام‌رسان، شهادت شهود و نظر کارشناس دادرسی می‌شود. همین‌جاست که اهمیت تنظیم دقیق قرارداد و نگهداری مستندات معاملات، پیش از بروز اختلاف، دوچندان می‌شود.

در نتیجه، کلاهبرداری جرمی نیست که فقط با خواندن فهرست مواد قانونی یا تکیه بر حس عمومی عدالت فهمیده شود. فهم آن نیازمند دقت در سه رکن، تفکیک از جرائم خویشاوند و توجه جدی به چالش‌های اثبات است. شهروندی که این دقت را بیاموزد، هم کمتر قربانی می‌شود و هم با مستندات دقیق‌تر در دادگاه حاضر خواهد شد. نظام کیفری نیز اگر مسیر تفکیک پرونده‌های کلاهبرداری از خیانت در امانت را شفاف‌تر کند، سریع‌تر به نتیجه عادلانه می‌رسد.

یک جدول با دو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۱۵۴**

جدول عادی

افقی
۱ - خواب کودکانه - نادم - امر به آمدن
۲ - سازمان اطفاء حریق - معروف
۳ - بی‌مهار - ویرگول - نظر یا رأی فقیه و مجتهد در احکام شرعی - یک دور تنیس
۴ - عشیره - ماه برفی - شهر تاریخی «ترکیه»
۵ - پوشیده، مخفی - عروس شهرهای ایران - ضد «گرما»
۶ - موش رایانه‌ای - سمت - آرزومند چیزی شدن
۷ - رنگ‌های قالی ایران - کلمه شگفتی - گرداگرد لب
۸ - وسیله درودگری - همدم - بخشی از بدن انسان - کوچک‌ترین ذره هر عنصر
۹ - غیرمتمدن - درخت بی‌بر - مراجعان اداری
۱۰ - افتضاح، بی‌آبرویی - پول کشور آفتاب تابان - همراه رفت!
۱۱ - قطار زیرزمینی - متضاد «خروجی» - متولد شده
۱۲ - گوسفند استرالیایی - گندم - چوبه اعدام
۱۳ - اشاره بعید - استواری و پایداری - سقف ریخته - بس
۱۴ - آشکار - نگهداشتن حیثیت
۱۵ - وسیله روز مبادا - از گل‌ها - اشاره تأکیدی نزدیک

عمودی
۱-جزیره‌ای در جنوب ایران-وساطت برای صلح وآشتی
۲-کارگاه نقاشی-معاون ودستیار-پارچه کلاه
۳-سست-از حواس پنج‌گانه-بادکردگی پوست-عیب ونقص
۴-اشاره به دور ادبی-همان «نت» می‌باشد-گونه‌ای از ضمایم مطبوعاتی
۵-خوشحال-متضاد «سیاهی»-آهسته،آرام
۶-فلات آسیایی-کلام تردید-اهل کشور فلاسفه
۷-ورزش خیس!-نگینی بر تارک سلسله جبال زیبای البرز جنوبی -ایتالیای قدیم
۸-حرف تمسخر-امر به آموختن-جمع رأس-ضمیر بی‌حضور
۹-تن‌پوش ماهی-پشت سرهم-از آن باران می‌بارد
۱۰-شهر مرزی-ضمیر جمع-نصرت
۱۱-امپراطور دیوانه روم باستان-آشی که با برنج و سبزی پخته شود -جانور پیشانی سفید
۱۲-سزاوار-راز پنهان-طبقه ردیف
۱۳-ریشه-کلمه تصدیق-نیاکان-مادر عرب
۱۴-گلی سفید ومعطر-لباس خانم-بحث داغ مسابقات ورزشی
۱۵-دزدیده به سخن دیگران گوش دادن-شهراستان کرمانشاه

جدول ویژه

افقی
۱ - جاودانه و ابدی - غذایی لذیذ - ضربه تیپا
۲ - سریالی از محمدحسین لطیفی - رفت و آمد
۳ - از گروه‌های خونی - چمن - خطاب بی‌ادبانه - حرف زمین‌شوی!
۴ - تیز - حرف جمع فارسی - گروه نوازندگان
۵ - ستاره - معشوقه زئوس - کفش مردانه مجلسی و رسمی
۶ - فرد غیرمعلوم - دستگاه نساجی - المثنی
۷ - نوعی غله جدید - تخم‌مرغ فرنگی - رخساره
۸ - ناگهان خودمانی - خمیدگی - گوسفند جنگی - پرنده‌ای خوش‌آواز
۹ - بوی ماندگی - گلیم - فیروزه شفاف
۱۰ - اصلاح متن - گذشتن - مخفف نیکو
۱۱ - فیلم جواد افشار (۱۴۰۴) - توبیخ - بازدارنده
۱۲ - نزدیک نیست - برادر آبادانی - بغض
۱۳ - پژمرده - تصور - شهر شمالی - عصاره میوه
۱۴ - فرمانروا - شعبه‌ای از علوم اجتماعی که از جرم و مجرم بحث می‌کند
۱۵ - گردنبند اسارت - از بین رفته - وسیله نگهداری وسایل شیشه ای

عمودی
۱ - برخورد کردن - بازیگر سریال «کلانتری یازده» (۱۴۰۵)
۲ - آواره - نجات - پرتگاه موشک
۳ - خویشی و قرابت - گنجینه اسناد - کریم - گودال
۴ - خشک شدن - مأنوس شدن - ساحر
۵ - جرزنی در معامله - براق و صاف - فالگیر
۶ - واجب کردن - کجاست؟ - تمام سهم زمین و خانه
۷ - تاجدار - مرکز «تبت» - سالخورده
۸ - تیم اروپایی - برج «پاریس» - حواله و چک - نام «جمشید»
۹ - قلعه نظامی - پدر تاریخ - پسوند مکان
۱۰ - فاسد و جنایتکار - یک و یک - نظریه «داروین»
۱۱ - واهمه - مایه دارویی که به بدن تزریق می‌شود - کمانگیر حماسی
۱۲ - سازمانی سیاسی و چریکی در «ویتنام» - امر - طرز و عادت
۱۳ - عضو صورت - کامیون ارتشی - سازمان شکنجه‌گر سابق - حرف ندا
۱۴ - ورودی‌های کنترل شده مسافران در ترمینال‌های فرودگاه - وصول به حقایق از طریق کشف و شهود - از توابع کاشان
۱۵ - پوشه یا فولدر - در پشت قرنیه چشم قرار گرفته

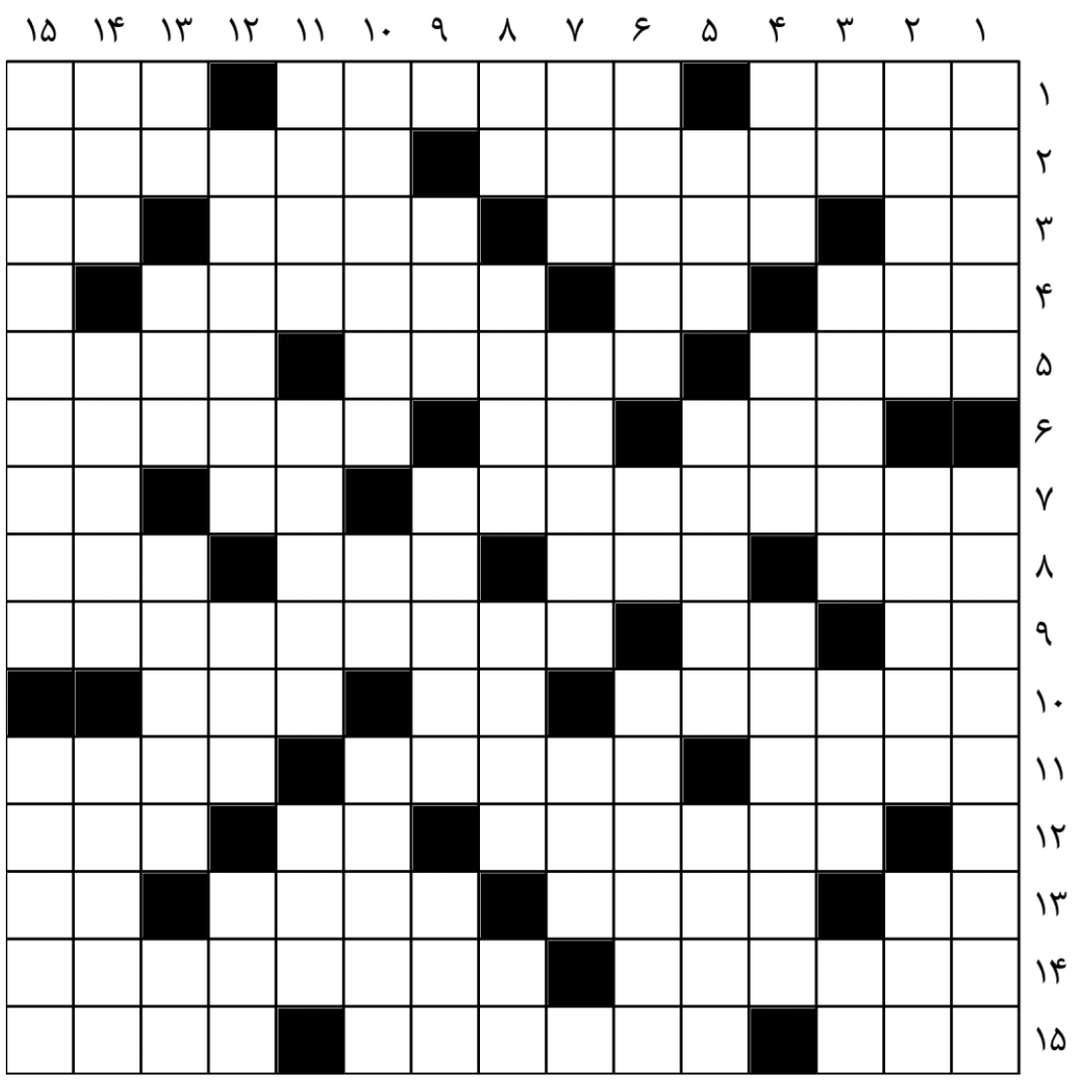

حل جدول عادی شماره ۹۱۵۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ک	و	ف	ت	ه	ب	ر	ن	چ	ی	■	ا	ب	ک	ش
۲	ن	ا	ر	م	ک	■	د	ا	ر	و	غ	ه	■	ل	ا
۳	د	ل	ا	ر	■	ب	ی	ب	ی	■	و	ا	ن	ی	ل
۴	ر	ت	■	د	ا	ن	ا	■	ب	ا	ل	ن	گ	■	■
۵	و	ا	ل	■	ت	ا	ب	ش	■	س	ا	ت	ر	ا	پ
۶	■	■	ا	م	ی	ن	■	ت	ا	ل	س	■	ش	ی	ی
۷	ا	م	ن	ی	ه	■	ن	ا	گ	و	ا	ر	■	و	ر
۸	گ	و	ه	ر	■	ا	ر	ب	ا	ب	■	ا	ک	ر	ا
۹	و	س	■	ا	ن	د	ا	ز	ه	■	ش	و	ش	ت	ر
۱۰	س	ی	ن	■	ن	ا	ق	د	■	ز	ا	ی	و	■	■
۱۱	ت	و	ا	ن	گ	ر	■	ه	ل	ی	م	■	ر	م	ه
۱۲	■	■	چ	و	ا	ه	ر	■	ی	و	ی	و	■	چ	ا
۱۳	ک	ا	ی	ک	و	■	ا	ن	و	ر	■	ک	ل	م	ن
۱۴	م	ر	■	ا	ر	غ	و	ا	ن	■	د	ل	ا	و	ر
۱۵	ی	ک	س	ر	■	م	ر	ی	ل	ا	ز	ا	ر	غ	ی

حل جدول ویژه شماره ۹۱۵۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ز	ب	ا	ن	س	و	ا	ح	ل	ی	■	ت	ا	ر	ک
۲	د	ی	ن	ا	م	■	پ	ل	ا	س	م	ا	■	ن	ا
۳	و	ن	ی	ز	■	ب	ا	ق	ی	■	ز	ا	م	ن	ر
۴	د	ا	■	ک	ل	ا	چ	■	ی	ک	ا	ی	ن	■	■
۵	ن	م	د	■	و	خ	ی	م	■	د	ل	ن	و	ا	ز
۶	■	■	پ	ا	ک	ت	■	ا	ر	و	م	■	ل	ب	و
۷	ف	ا	ر	ک	س	■	ب	ی	ا	ر	ت	ی	■	د	ر
۸	ر	و	س	ی	■	ن	ا	س	و	ت	■	ا	ب	ی	ک
۹	ه	ر	■	پ	ر	ی	ن	ت	ر	■	د	و	س	ت	ی
۱۰	ن	م	ا	■	د	ا	و	ر	■	م	ی	ر	ا	■	■
۱۱	گ	ی	ر	ا	ی	ی	■	و	ا	چ	د	■	ط	ل	ا
۱۲	■	■	ل	و	ا	ش	ک	■	چ	ه	ن	م	■	ا	ن
۱۳	م	ی	ن	ا	ب	■	ل	م	ا	ز	■	ت	غ	چ	ب
۱۴	ی	ک	■	ر	س	م	ن	■	ن	ا	ن	ر	و	ب	ر
۱۵	س	ه	ر	ه	■	س	ن	د	ب	ا	د	ن	ا	م	ه